

# بررسی و تبیین صور شرکت در قتل و فروع آن در فقه و قانون مجازات اسلامی

## مبحث دوم

### صور شرکت در قتل و فروع آن

تقسیم مطالب این مبحث:

در بررسی مندرجات کتب قصاص مشاهیر فقها و صاحبان نظران اسلامی ملاحظه می‌شود که این صاحبان نظران احکام اشتراک در قتل را زیر عنوان «مراتب تسبیب و فروع شرکت در قتل» مطرح کرده‌اند. در این آثار، مراتب تسبیب و فروع شرکت در قتل براساس نحوه مداخله و میزان تأثیر عمل هر یک از شرکا در وقوع قتل، صاحبان نظران صورتهای گوناگون شرکت در قتل را مورد بحث و بررسی و اظهار نظر قرار داده‌اند.

نظر به اهمیت این موضوع و نقش آن در اجرای عدالت کیفری در چارچوب موازین شرعی، در این نوشتار صور مختلف شرکت در قتل را با استفاده از منابع و فتاوی معتبر، به ترتیب ذیل مورد بحث قرار می‌دهیم.

۱ - اشتراک دو یا چند نفر در انجام فعل واحد نسبت به مقتول که موجب قتل گردد.

۲ - اشتراک دو یا چند نفر در انجام عملیات متعدد نسبت به مقتول که مجموع عملیات موجب قتل گردد.

۳ - اشتراک دو نفر در انجام فعل متعدد نسبت به مقتول که هر یک به تنهایی برای قتل کافی باشد.

۴ - اشتراک دو یا چند نفر در ایراد صدمات بدنی نسبت به دیگری در زمانهای متوالی که موجب قتل گردد.

۵ - اشتراک دو یا چند نفر در ایراد صدمات بدنی نسبت به دیگری در زمانهای متناوب که موجب قتل گردد.

### گفتار اول:

اشتراک دو یا چند نفر در انجام فعل واحد نسبت به مقتول که موجب قتل گردد.

## قسمت پایانی

### دکتر محمد صالح ولیدی

(دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی مرکز)



در این صورت، نحوه مداخله عاملین قتل به طوری است که همگی آنها در عملیات اجرایی قتل مشارکت داشته‌اند ولی نمی‌توان به طور مستقل هر یک از آنها را قاتل دانست، بلکه عملیات فرد فرد مداخله کنندگان در حصول قتل مؤثر بوده است، هر چند فعل واحد در یک زمان از آنها صادر شده باشد ولی قتل به تمامی آنها نسبت داده می‌شود؛ مثل این که دو نفر با سبق تصمیم برای کشتن ثالثی با تباری و مواضع قبلی به منزل او که در یکی از طبقات فوقانی ساختمان یک برج

مرتفعی قرار گرفته است دعوتاً وارد شده و با توسل به زور و فشار مشترکاً دستها و پاهای وی را گرفته و از پنجره اطاق به خارج پرت کنند که منجر به مرگ وی گردد. قانونگذار جمهوری اسلامی ایران به تبعیت از این نظریه فقهی در ماده (۲۱۴) از فصل سوم از باب شرکت در قتل در قانون مجازات اسلامی چنین حکمی را بدین نحو برقرار کرده است: «هرگاه دو یا چند نفر جراحی بر کسی وارد سازند که موجب قتل او شود چه در یک زمان و چه در زمانهای متفاوت، چنانچه قتل مستند

به جنایت همگی باشد همه آنها قاتل محسوب می‌شوند.»

### گفتار دوم:

اشتراک دو یا چند نفر در انجام عملیات متعدد نسبت به مقتول که مجموع عملیات موجب قتل گردد.

در این صورت، واقعه کیفری، ناشی از عملیات مجرمانه متعددی از ناحیه دو نفر یا بیشتر نسبت به ثالثی است که در زمانهای مختلف از آنها صادر و اتفاق می‌افتد. اما مرگ مجنی علیه بر اثر مجموع جراحات و صدمات متعدده وارده است و آن افعال به صورت کاری نوعاً کشنده موجب مرگ مصدوم گردد و قتل مستند به عمل همه آنها باشد؛ مانند این که عده‌ای با ایراد صدمات بدنی متعدد خود نسبت به دیگری وی را به قتل برسانند، مثل این که یکی از آنها به وسیله چاقو دست او را قطع می‌کند و نفر دوم با استفاده از چوب او را از ناحیه پا مجروح می‌کند و نفر سوم نیز با مشت لگد به وی حمله می‌کند و او را مضروب و مجروح می‌کند و مجنی علیه بر اثر مجموع جراحات و صدمات وارده فوت کند. در این صورت، گرچه اقدام مجرمانه هر یک از آنها در محدوده زمانی خود واقع شده است، لیکن مجموع افعالی که از آن سه نفر صادر شده مؤثر در ایجاد قتل بوده است، لذا قتل مستند به اعمال متعدد آنها است. حکم ماده (۲۱۵) قانون مجازات اسلامی در فصل مربوط به شرکت در قتل در کتاب قصاص، متأثر از این نوع اشتراک در قتل است که مقرر می‌دارد: «شرکت در قتل زمانی تحقق پیدا می‌کند که کسی در اثر ضرب و جرح عده‌ای کشته شود و مرگ او مستند به عمل آنها باشد خواه عمل هر یک به تنهایی برای قتل کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت». به این ترتیب آنچه از مندرجات ماده

## آنچه از مندرجات

### ماده (۲۱۵) قانون

### مجازات اسلامی

### استنباط می‌شود، این

### است که قانونگذار دو

### ضابطه را برای

### تشخیص شرکت در

### قتل قایل شده

است.

### اولاً: معلوم و

### مشخص نبودن قاتل

### اصلی در بین مباشرین

### صدمات وارده به

مجنی علیه.

### ثانیاً: مجموع

### عملیاتی که از مباشرین

### متعدد صادر شده مؤثر

### در ایجاد قتل بوده باشد

(۲۱۵) قانون مجازات اسلامی استنباط می‌شود، این است که قانونگذار دو ضابطه را برای تشخیص شرکت در قتل قایل شده است. اولاً: معلوم و مشخص نبودن قاتل اصلی در بین مباشرین صدمات وارده به مجنی علیه. ثانیاً: مجموع عملیاتی که از مباشرین متعدد صادر شده مؤثر در ایجاد قتل بوده باشد.

### گفتار سوم:

اشتراک دو نفر در انجام فعل مجرمانه متعدد نسبت به مقتول که هر یک به تنهایی برای قتل کافی باشد

در این صورت، قتل ناشی از عملیات متعدد دو نفر یا بیشتر است به طوری که عملیات هر یک از مرتکبین به تنهایی برای کشتن مجنی علیه کفایت می‌کند. یا به سخن دیگر، عملیات مجرمانه متعددی که از ناحیه دو نفر نسبت به دیگری صادر شده است هر یک از آن عملیات به تنهایی برای کشتن مجنی علیه کافی است؛ مانند این که دو نفر که قصد کشتن دیگری را دارند با استفاده از سلاح کمربندی یکی از آنها به طرف قلب مجنی علیه تیری را شلیک کند، و دیگری با شلیک تیری سر او را هدف قرار دهد و هر دو گلوله‌ای که رها شده به نقاط مذکور در بدن مجنی علیه اصابت و فوراً موجب مرگ وی شوند، در این مورد طبق نظر صاحب نظران اسلامی، گرچه در

این واقعه باید بگوییم چون عملیات متعدد منتهی به قتل دقیقاً در یک زمان واقع نشده است و عادتاً بین آنها تقدم و تأخر است، در نتیجه اگر گلوله فرد اول، شخص را از پای در آورده باشد قهراً عمل شخص دوم مؤثر در قتل نبوده است لیکن باید گفت که اینجا نیز شرکت صدق می‌کند چون عرف این دو نفر را قاتل می‌بیند.<sup>(۱)</sup> درباره این برداشت، یعنی در ارتکاب افعال متعددی که از ناحیه دو نفر

صدمات بدنی متعددی است که توسط مباشرین و به طور متوالی و پشت سر هم به مجنی علیه وارد گردد؛ اما مجنی علیه بر اثر ایراد صدمه یا جرح که آخرین نفر از مباشرین به وی وارد کند از پای درآید و باعث سلب حیات وی گردد؛ مانند این که عده‌ای عمداً به دیگری حمله‌ور شوند به طوری که نفر اول با استفاده از چوب ضربه‌ای به ساق پای مجنی علیه وارد کند که باعث شکستگی استخوان پای وی شود و نفر دوم با مشت و سیلی به سر و صورت او ضرباتی وارد کند که مضر و مجروح گردد و به دنبال آن نفر سوم با کوبیدن ماهی تابه بر سر مجنی علیه باعث سلب حیات وی گردد.

چنانچه در رسیدگی‌های قضایی صحت این مراتب معلوم و مشخص گردد در آن صورت، مورد از مصادیق شرکت در قتل نیست، بلکه نفر سوم که با ایراد آخرین ضربه به سر مجنی علیه او را از پای درآورده قاتل محسوب می‌شود؛ چون عملیات مجرمانه آخرین نفر اقوی از عملیات مباشرین قبلی بوده است، لذا تنها نفر سوم از حیث قتل ضامن خواهد بود و نفرات اول و دوم تنها به اندازه نتایج شوم عمل مجرمانه خود مسئول و قابل مجازات خواهند بود.

حکم این صورت قتل؛ یعنی زمانی که ایراد صدمات و جراحات وارده به مجنی علیه به طور متوالی و پشت سر هم وارد شود و صدمه سومی منتهی به سلب حیات گردد، از مصادیق شرکت در قتل خارج می‌باشد و این امر مورد تأیید اغلب صاحب‌نظران اسلامی قرار گرفته و تدوین کنندگان قانون مجازات اسلامی باب قصاص نیز در ماده (۲۱۶) به ذکر آن پرداخته‌اند که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود.

– صاحب کتاب "التشریح الجنایی" در این خصوص متذکر شده است:

**چنانچه در جریان**

**رسیدگی، بر دادگاه**

**معلوم و مشخص**

**گردد که عده‌ای برای**

**کشتن دیگری مواضعه**

**نموده و با هم قرار**

**گذاشته باشند که**

**هر یک با فواصل**

**زمانی جرات یا**

**ضرباتی بر مجنی علیه**

**وارد کنند تا**

**بدین وسیله او را به**

**قتل برسانند، عرفاً**

**می‌توان عمل آنها را از**

**مصادیق شرکت در**

**قتل محسوب نمود**

نسبت به دیگری که هر یک از عملیات آنها به تنهایی برای ازهراق روح و سلب حیات از مجنی علیه کافی باشد، همان‌گونه که استاد بزرگوار در حین تدریس به این مسئله اشاره فرمودند، ممکن است قذری تردید نمود، به نظر می‌رسد که این تردید ناظر به صورتی است که عملیات مباشرین نسبت به مجنی علیه در یک زمان واقع نشده باشد؛ یعنی بین عملیات مجرمانه نفر اول با عملیات مجرمانه نفر دوم فاصله زمانی وجود داشته باشد و در صورتی که در رسیدگی‌های قضایی این موضوع بر دادگاه معلوم شود که عملیات انجام یافته به قصد کشتن مجنی علیه از ناحیه نفر اول از حیث زمان وقوع، مقدم بر ارتکاب عملیات مجرمانه نفر دوم باشد، در این صورت بی‌تردید باید نفر اول را قاتل دانست و عملیات نفر دوم را از حکم شرکت در قتل مستثنا کرد؛ به دلیل این که برطبق ادله عموماً قتل، لازمه قتل، وجود شخص زنده در زمان ایراد صدمه از ناحیه مرتکب است ولی در این مثال گرچه نفر دوم به میل و اراده خود و به قصد کشتن مجنی علیه به طرف او تیراندازی کرده است اما چون قبلاً مجنی علیه بر اثر عمل نفر اول به قتل رسیده است و نفر دوم که در زمان بعد از آن و بدون اطلاع از مرگ مجنی علیه او را هدف قرار داده است، پس اقدام او از نظر نتایجی که روی جسد به بار آورده است عمل او در حکم خیانت بر مرده محسوب خواهد شد و مشمول حکم ماده (۴۹۴) قانون مجازات اسلامی، کتاب دیات، یعنی پرداخت دیه جنایت بر مرده خواهد بود. (۲)

**گفتار چهارم:**

اشتراک دو یا چند نفر در ایراد صدمات بدنی نسبت به دیگری در زمانهای متوالی که موجب قتل گردد.

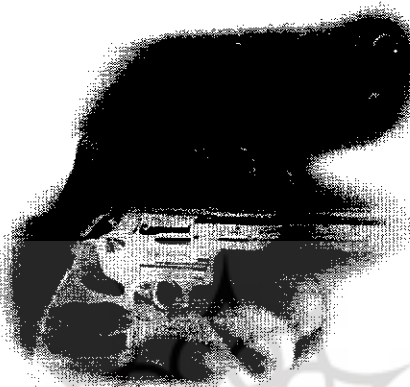
در این صورت، واقعه کیفری، ناشی از

برای کشتن دیگری مؤسسه نموده و با هم قرار گذاشته باشند که هر یک با فواصل زمانی جراحت یا ضرباتی بر مجنی علیه وارد کنند تا بدین وسیله او را به قتل برسانند، عرفاً می توان عمل آنها را از مصادیق شرکت در قتل محسوب نمود.<sup>(۴)</sup> در غیر این صورت، هرگاه بر دادگاه معلوم گردد که مباشرین صدمات و جراحت وارد در فاصله زمانی متناوب به مجنی علیه بدون توافق و قول و قرار قبلی بین افراد بوده و هر یک به طور تصادفی مبادرت به ایراد ضرب و جرح نسبت به مجنی علیه نموده باشند، در این صورت شرکت در قتل محرز نیست بلکه هر یک از مباشرین مسئول و ضامن عملیات مجرمانه خویش خواهند بود؛ و بر حسب مورد، نفر اول باید دیه بدهد یا قصاص شود و به همین ترتیب نفر دوم، اما نفر سوم که با ایراد ضرب خویش نسبت به مجنی علیه موجب مرگ وی شده است، مستحق قصاص نفس می باشد.

**پی نوشت ها:**

- ۱ - بیانات حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) در درس خارج فقه، کتاب القصاص، نشریه هشاد، مورخ ۷۹/۷/۲۲، صص ۲ و ۱۰.
- ۲ - نگاه کنید به کتاب حقوق جزای اختصاصی، ج دوم، جرایم علیه اشخاص نوشته دکتر محمد صالح ولید، ج پنجم، سال ۱۳۷۶، ص ۷۴، ناشر انتشارات امیرکبیر.
- ۳ - عوده، عبدالقادر، التشریح الجنایی، ج ۲، ص ۴۱، چاپ بیروت، سال ۱۴۰۵ ه.ق.
- ۴ - نگاه کنید به نظریه حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) در نشریه شماره هشتاد و یکم، صص ۱ الی ۵، مورخ ۷۹/۷/۱۷، فقه خارج، کتاب القصاص.

صاحب نظران اسلامی قایل به تفسیر و تعبیر پیرامون وجود توافق و تبانی قبلی بین مباشرین برای کشتن مجنی علیه شده اند؛ بدین معنی، چنانچه در جریان رسیدگی، بر دادگاه معلوم و مشخص گردد که عده ای



**در بررسی مندرجات کتب**

**قصاص مشاهیر فقها و**

**صاحب نظران اسلامی ملاحظه**

**می شود که این صاحب نظران**

**امکام اشتراک در قتل را زیر**

**عنوان «مراتب تسبیب و**

**فروع شرکت در قتل» مطرح**

**کرده اند**

«وإذا كان فعل احدهم، لا دخل له فی الزهوق، فلا يعتبر قاتلاً و إنما يسأل فقط من الجرح او الضرب.»<sup>(۳)</sup> همچنین به موجب ماده (۲۱۶) قانون مجازات اسلامی، هرگاه کسی جراحی به شخصی وارد کند و بعد از آن، دیگری او را به قتل برساند قاتل همان دومی است اگرچه جراحت سابق به تنهایی موجب مرگ می گردید و اولی فقط محکوم به قصاص طرف یا دیه جراحی است که وارد کرده مگر مواردی که در قصاص جراحی خطـر مرگ باشد در این صورت فقط محکوم به دیه می باشد.

**گفتار پنجم:**

اشتراک دو یا چند نفر در ایراد صدمات بدنی نسبت به دیگری در زمانهای متناوب که موجب قتل گردد

در این صورت، واقعه کیفری به نحوی است که برخلاف صورت چهارم، ضربات و صدمات متعددی که از ناحیه عده ای به دیگری وارد می شود در فواصل زمانی صورت می گیرد. یا به دیگر سخن، ایراد صدمات متعدد از ناحیه عده ای به مجنی علیه در زمانهای غیر متوالی صورت می گیرد، ولی در نهایت منتهی به مرگ مجنی علیه شود؛ مانند این که شخص عمداً جراحی به ناحیه گردن دیگری وارد کند و پس از چند روز و در زمانی که هنوز زخم گردن مجروح التیام نیافته شخص دیگری با مشت و لگد ضرباتی به شکم مجنی علیه وارد می کند و بر طبق نظریه پزشکی قانونی، مصدوم باید یک هفته استراحت کند تا بهبودی پیدا کند، اما هنوز این مدت سپری نشده باشد شخص سومی با ایراد ضربات وارد شده به سر مجنی علیه باعث سلب حیات وی گردد.

در بیان حکم شرکت در قتل در این صورت،